

را به همان قیمت واگذار کنیم. اکنون این شرکت‌ها در اختیار تأمین اجتماعی است و آنها خواستار بستن قراردادهای انفرادی هستند. در حال حاضر دولت و تأمین اجتماعی از مرداد سال گذشته تا به الان حدود یک سال و یک ماه است که این چالش را با هم دارند. ما می‌گوییم این هفت شرکت باقی‌مانده که قرار است با قیمت هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شود، خودشان این مبلغ را بین این هفت شرکت تقسیم کنند. بندرعباس به تنهایی همه مبلغ مصوبه را و لاوان هم به تنهایی تمام مبلغ باقی‌مانده را شامل می‌شود. شرکت رجا به تنهایی در تاریخ اسفند ۹۱، یعنی چهار سال قبل ۷۰۰ میلیارد تومان قیمت داشته است. الان می‌خواهید چه قیمتی روی آنها بگذارید. زمانی که من وارد سازمان خصوصی‌سازی شدم نیروگاه خلیج فارس را با ۷۰۰ میلیارد تومان قرارداد بسته بودند؛ اما آقایان امضا نکردند. اینها اعدادی نیستند که من در آینده بتوانم از جیب خود دریاورم و پرداخت کنم. اینها را باید دولت انجام بدهد. در حال حاضر تا آنجا که من می‌دانم، این تقسیم‌بندی هم به سازمان مدیریت محول شده است. هر زمانی که آنها اعلام کردند این هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان مصوبه، چگونه بین این هفت شرکت تقسیم می‌شود، اجرائی خواهد شد.

**انتقادهایی به خود دولت یا خصوصی‌سازی وارد است مبنی بر اینکه بسیاری از شرکت‌ها، مخصوصاً پالایشگاه‌ها، بدون اینکه حتی موضوع کسب و کارشان شفاف شود، واگذار می‌شوند. با توجه به اینکه سال‌ها از واگذاری پالایشگاه‌ها گذشته، ولی در حال حاضر هیچ کارشناسی نمی‌تواند اظهار نظری درباره نحوه کسب و کار، خرید و فروش نفت خام و فرآورده در پالایشگاه‌ها و... انجام دهد، چه برسد به اینکه بخواهیم شرکت را در آن مقطع قیمت‌گذاری کنیم. این نبود شفافیت موضوع اصلی تمام این مناقشات و بحث‌هاست. کما اینکه این شرکت‌ها روز اول در بورس با قیمت بسیار نازلی قیمت خوردند. همان‌طور که مستحضرید به روزرسانی پالایشگاه‌ها، سرمایه ثابت بسیار زیادی می‌طلبد؛ البته این نبود شفافیت انتقاد اصلی ما بود که باعث این همه مناقشه شد.**

البته من که از اساس، دادن سهم به عنوان بدهی دولت را قبول ندارم. تصور می‌کنم اگر قرار است بدهی پرداخت شود، لااقل به دست سازمان خصوصی‌سازی نباید صورت گیرد. این روند به معنای خصوصی‌سازی نیست که ما در کشور انجام می‌دهیم. دولت مالک است و می‌خواهد پالایشگاهی را که صدتومان می‌ارزد به مبلغ ۲۰۰ تومان یا ۵۰ تومان به تأمین اجتماعی ببخشد، مصوبه تولید می‌کند و اگر مجلس هم آن را خلاف قانون تشخیص نداد، تبدیل به مصوبه لازم‌الاجرا می‌شود. اما هیچ کجای این فرایند، خصوصی‌سازی نیست. این کار هیچ ربطی به سازمان خصوصی‌سازی ندارد که دولت بدهی خود را خودش قیمت‌گذاری کند و طلبکار آن مشخص باشد و سازمان خصوصی‌سازی نقش دفترخانه را ایفا کند. چه اصلاح ساختاری صورت گرفته است و چرا سازمان خصوصی‌سازی باید این کار را انجام دهد؟ پس از پایه و اساس این فرایند را خصوصی‌سازی نمی‌دانم. دولت بدهی خود را با رد دین و اموال خود پرداخت می‌کند و حالا چرا این کار را گردن سازمان خصوصی‌سازی انداخته

است، نمی‌دانم. خوشبختانه از سال ۹۳ به بعد این روند اصلاح شد و اگر هم چیزی باقی مانده است، تتمه مصوبات سال ۸۸ و ۸۹ است. غیر از یک مورد در صندوق بازنشستگی که آن هم باز مجلس در سال ۹۴ در قانون بودجه نوشت که تتمه آن را سال ۹۴ به دلیل حکم مجلس پرداخت کردیم.

**علت به‌اتمام رسیدن این روند از واگذاری‌ها چیست؟ دولت دیگر نمی‌خواهد این کار را به این شکل انجام دهد یا اینکه دیگر شرکتی برای واگذاری وجود ندارد؟**

دولت همچنان شرکت‌های زیادی دارد؛ اما بازدهی آن محل بحث است. شرکت‌های توزیع برق دارایی‌شان حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان است. در شرکت‌های توزیع گاز، ده‌ها هزار میلیارد تومان دارایی وجود دارد؛ برای نمونه پالایشگاه گازی که هنوز واگذار نشده و ظاهراً بنا هم نیست که واگذار شود و شرکت‌های دیگر نظیر نیروگاه‌ها. هنوز ۱۵، ۲۰ نیروگاه واگذار نشده است که در مجموع چند ده هزار میلیارد تومان است.

**پیچیدگی کسب و کار و ساختار فعالیت این نیروگاه‌ها یا شرکت‌های توزیع، دقیقاً از پالایشگاه‌ها هم بیشتر است. حال اگر کسی قرار است مالک آنها شود، روی چه کسب و کاری باید فعالیت کند و قیمت‌گذاری آنها چگونه می‌شود؟**

تا قیمت‌ها رقابتی نشده است، این ابهامات وجود دارد. به همین دلیل دولت محترم مصوبه‌ای تولید کرد و ما را از واگذاری شرکت‌های توزیع برق و توزیع گاز، موقتاً کنار گذاشته است که البته به درخواست خودمان این مصوبه ایجاد شده بود. به‌هر حال احساس کردیم اگر بخواهیم شرکت‌های توزیع برق را به همین شکل واگذار کنیم، خسارت زیادی به کشور وارد می‌شود. اول باید قیمت‌ها آزاد و رقابتی شود سپس واگذاری انجام شود. در حال حاضر دولت نه در قالب خصوصی‌سازی، ولی در قالب رد دیون می‌تواند مال خود را به طلبکارها بدهد. به‌طور مثال امسال در بودجه سال ۹۵ حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان بابت اسناد تسویه خزانه و اوراق خزانه اسلامی گنجانده شده که از طریق آن می‌شود بدهی‌ها را پرداخت کرد. به این معنی که دولت بدهی خود را با طلب خود تسویه می‌کند. دولت امسال ۲۰ هزار میلیارد تومان اوراق اسناد خزانه دارد که می‌تواند بدهی خود را با این روش تسویه کند. مانند تأمین اجتماعی که شرکت‌های زیادی را خریداری کرده؛ ولی پول آن را پرداخت نکرده است. تأمین اجتماعی به دولت بدهکار است، ولی در عوض، از دولت طلبکار هم هست. بنابراین از این فضا استفاده می‌کند. شهریورماه هم تمام شد و چک‌های تأمین اجتماعی در حدود دو، سه هزار میلیارد تومان برگشت خورده است.

**چرا تأمین اجتماعی بدهی خود را پرداخت نمی‌کند؟**

مشکل این است که شستا و کسانی که چک‌هایشان دست ماست باید در این مورد پیگیری داشته باشند، نه خصوصی‌سازی. از طرف دیگر تأمین اجتماعی و شستا مدیران‌شان را زودبزه‌زود عوض می‌کنند. زمانی که در سه تا پنج ماه، دو تا چهار مدیر عوض می‌شود چه انتظاری از آن مجموعه می‌توان داشت. بالاخره باید مدیریت‌ها تثبیت شود. آقایان مسلط شوند بر درآمد و بدهی‌های خود و برون و چانه‌زنی و بحث داشته باشند و خود شستا باید موتور محرکه این کار باشد.

تأمین اجتماعی به دولت بدهکار است؛ ولی در عوض، از دولت طلبکار هم هست. بنابراین از این فضا استفاده می‌کند. شهریورماه هم تمام شد و چک‌های تأمین اجتماعی در حدود دو، سه هزار میلیارد تومان برگشت خورده است.